

روش شناسی مطالعات میان رشته‌ای در تفسیر قرآن

چکیده با تأکید بر علوم تربیتی

□ عبدالله انصاری *

در مطالعات قرآنی و فهم بهتر آن، از شیوه‌های متنوعی استفاده می‌شود. این شیوه‌ها در طول قرون، به ویژه در یک قرن اخیر، با شیوه‌های نوینی مورد آزمون قرار گرفته تا از این رهگذر میزان همخوانی و سازواری قرآن با دستاوردهای علمی بشر آزمون شود. بدیهی است که هر چه بشر به پیشرفت‌های علمی نائل می‌آید اعجاب و اعجاز علمی قرآن نیز در رشته‌های مختلف آشکارتر و هویداتر می‌گردد و فهم آن برای دانشمندان حوزه‌های گوناگون سهل‌الوصول‌تر می‌شود. از این رو، در این نوشتار، به روش مطالعات میان رشته‌ای در حوزه علوم طبیعی یا انسانی و تفسیر قرآن با تأکید بر علوم تربیتی می‌پردازیم. همچنین فرایند، مبانی و آسیب‌های این روش را به نقد و بررسی گرفته و جهت روشن‌تر شدن آن برای هر کدام مثال‌هایی یادآوری خواهد شد.

کلمات کلیدی: قرآن، مطالعات قرآنی، روش تحقیق، میان رشته‌ای، علوم تربیتی

طرح مسأله

روش تحقیق در مطالعات قرآنی گاه درون متنی مثل تفسیر قرآن به قرآن و گاه برون متنی و گاه تطبیقی و میان‌رشته‌ای است. ریشه‌های این روش‌ها از دیرباز در کتب تفسیری وجود داشته، ولی به صورت نظام‌مند، در قرن اخیر مطرح شده است. روش تحقیق میان‌رشته‌ای موجب رشد و بالندگی در حوزه پژوهش‌های قرآنی شده، گاه به تولید علم منتهی می‌شود و گاه به چالش‌های این مباحث می‌پردازد. امروزه تفسیرها در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، مدیریتی، جامعه‌شناختی، و... از جمله تفسیر تربیتی انجام می‌شود که در فهم بیشتر، دقیق‌تر و عمیق‌تر آیات قرآن تاثیر شایانی دارد که تحقیق پیش رو با درک این ضرورت به روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای در تفسیر قرآن با تأکید بر علوم تربیتی می‌پردازد. ازاین‌رو، بررسی فرآیند، مبانی و آسیب‌های مطالعات میان‌رشته‌ای از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

پیشینه تحقیق

مطالعات میان‌رشته‌ای در طول قرن بیستم در دانشگاه‌های اروپا و امریکای شمالی در مسیری نزدیک به هم، ظاهر شده است. واژه بین‌رشته‌ای برای نخستین بار در دهه ۱۹۲۰ در شورای پژوهش علوم اجتماعی ایالات متحده امریکا بکار برده شده است. در این دهه، اسنادی که توسط این شورا به عنوان بخشی از توسعه یک برنامه سازنده برای شورا تهیه شده بود، علاقه این شورا به ترویج و تشویق پژوهش‌هایی را اظهار می‌دارد که مشتمل بر بیش از یک رشته علمی باشد. مفهوم مطالعات میان‌رشته‌ای نقطه عطفی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ تجربه کرده است. در دهه ۱۹۸۰ نوعی افول در تلاش‌های میان‌رشته‌ای همزمان با بازگشت به اشکال بیشتر متمرکز رشته‌گرایی در آموزش پدید آمده است. برای تحقق اهداف میان‌رشته‌ای خبرگان امر ضرورت سازماندهی مجدد فضای نهادی را مطرح کرده‌اند.

متخصصان بر روی دو پیشنهاد زیر اتفاق نظر دارند

الف. اتخاذ رویکرد بین‌بخشی از طریق ایجاد مراکز میان‌رشته‌ای افقی یا ساختارهای عمودی نشاندهنده گستره‌های مختلف رشته‌های علمی؛

ب. اتخاذ رویکرد محلی زدایی یا بوم زدایی با تأسیس مراکز خارج از دانشگاه. به رغم تلاش‌های صورت گرفته در سالیان مدید، مطالعات میان‌رشته‌ای جدی‌ترین مفهوم ناشناخته انتقادی، آموزشی و نهادی در فضای نوین دانشگاهی به شمار می‌آید.

به‌رغم فراز و فرودها، از دهه‌های نخستین قرن بیستم، به ویژه در دهه‌های پایانی قرن بیستم و دهه نخست قرن ۲۱، کاربرد مفهوم و واژه میان‌رشته‌ای در نهادهای علمی جهان غرب به عنوان مهد آموزش عالی پیشتاز، به سرعت در حال رشد و افزایش بوده است.

در علوم قرآنی، یکی از عرصه‌های تحقیقاتی قرآنی، مطالعات تطبیقی بین قرآن و علوم تجربی است که از دیرباز مورد توجه و عنایت مفسران قرآن و برخی صاحب‌نظران و متخصصان علوم طبیعی و انسانی بوده تا از این جهت به غنای علمی تفسیر آیات افزوده شود.

۱. نخستین نمونه‌های تفسیر میان‌رشته‌ای را می‌توان در آثار بوعلی سینا یافت. این، فیلسوف و پزشک مشهور مسلمانان واژه‌ی «عرش» در آیه‌ی «وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ» (حاقه: ۱۷) را به فلک الافلاک (فلک نهم هیئت بطلمیوسی) و «ملائکه» هشت‌گانه را به افلاک هشت‌گانه (قمر، خورشید، زهره، عطارد، زحل، مشتری، مریخ و فلک ثوابت) تفسیر نموده است (ابن سینا، ۱۹۰۸م، ۲، ۱۲۴ و ۴، ۴۲۶).

۲. فخر رازی نیز در تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، برخی مطالب علمی را با آیات قرآن تطبیق کرده است. او با آیه‌ی «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا» (بقره: ۲۲) استدلال می‌کند که زمین ساکن است (فخر رازی، ۱۴۱۱ق، ۵، ۹۴). وی در ذیل آیه ۱۶۴ سوره بقره، فلک یا تقدیم آرای بطلمیوس و قدمای هند و چین بابل مصر و روم و شام را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۳. علامه محمد باقر مجلسی صاحب کتاب بحار الانوار، در برخی از مجلدات این کتاب، مطالبی درباره‌ی آسمان‌ها آورده و در موارد متعددی به تفسیر علمی پرداخته است؛ از جمله در مورد آیه‌ی ۲۹ سوره بقره می‌گوید:

سبع سموات [در آیه شریفه] بدل یا تفسیر [سما] است و هفت‌گانه بودن آسمان‌ها، منافاتی با نه‌گانه بودن آن‌ها - که در علم نجوم ثابت شده است - ندارد؛ زیرا آسمان هشتم و نهم در زبان دینی، به کرسی و عرش تعبیر شده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۵۷، ۵).

۴. طنطاوی، صاحب تفسیر الجواهر فی تفسیر القرآن؛ به صورت گسترده، به تفسیر علمی پرداخته است. تفسیر وی را می‌توان اوج استفاده از علوم در تفسیر قرآن نامید. او بارها، از علوم مختلف در تفسیر قرآن استفاده کرده است؛ از جمله، علم احضار ارواح را از آیات مربوط به گاو بنی اسرائیل (بقره/۷۲-۶۷) استخراج کرده است. وی در هر مبحث تفسیری، بسیاری از علوم جدید را در لابه‌لای تفسیر خود می‌آورد (طنطاوی، ۱، ۸۹-۸۴).

۵. دکتر محمد بن احمد الاسکندرانی، صاحب کتاب کشف الاسرار النورانیة القرآنیة فی مایعلق بالاجرام السماویة و الرضیة و الحيوانات و النبات و الجواهر المعدیة نیز از پیشگامان تفسیر علمی در عصر جدید است.

۶. عبد الرزاق نوفل از نویسندگان مصری است که حداقل پنج کتاب در مورد تفسیر علمی با عناوین ذیل نوشته است: القرآن و العلم الحديث، الله و العلم الحديث، الاسلام و العلم الحديث، بین الدین و العلم...

۷. البته برخی صاحب‌نظران مثل علامه طباطبایی (ره) با روش علمی تطبیقی مخالفت کرده و می‌نویسد: «انما الکلام فی أنّ ما أوردہ علی مسالک السلف من المفسّرين «انّ ذلک تطبیق أو لیس بتفسیر» وارد بعینه علی طریقتهم فی التفسیر؛ «آن اشکالی که بر روش تفسیر علمای گذشته وارد کرده‌اند که تفسیر نیست، بلکه تطبیق است (همان اشکال)، بر ایشان نیز وارد است» (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ۱، ۸-۷).

البته خود علامه نیز، در تفسیر بعضی از آیات قرآن، از علوم تجربی و نتایج آن‌ها کمک می‌گیرد؛ چنان‌که در ذیل آیهی شریفه‌ی «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ»؛ (انبیاء: ۳۰)؛ «و حیات هر چیزی را از آب قرار دادیم»، می‌فرماید. «منظور این است که آب، دخالت کاملی در وجود هر موجود زنده‌ای دارد... و در بحث‌های علمی جدید، ارتباط حیات با آب واضح شده است» (انبیاء: ۳۰).

ایشان در آیهی شریفه‌ی «وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ» (ذاریات: ۴۷) می‌فرماید «مراد، توسعه‌ی خلقت آسمان است؛ همان‌طور که علوم ریاضی، امروزه به این مسأله نظر دارند» (همان، ۱۸، ۳۸۲).

این دو نوع برخورد علامه و دیگر صاحب‌نظران با تفسیر علمی بدین جهت است که تفسیر علمی، انواع مختلفی دارد، مثل: ۱. استخراج همه‌ی علوم از قرآن، ۲. تطبیق نظریه‌های علمی بر قرآن، ۳. استخدام علوم در فهم قرآن، که همگی احکام مختلف دارند؛ ازاین‌رو، علامه در شمار قایلان به تفصیل در تفسیر علمی محسوب می‌شود.

باید یادآور شد، روش تفسیر علمی اگر به صورت استخراج همه‌ی علوم از ظواهر قرآن باشد، از اعتبار علمی برخوردار نخواهد بود، چون مبنای آن مخدوش است. اگر به صورت تطبیق علوم بر قرآن باشد، چنان‌چه منتهی به تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن شود، به دلیل تفسیر به رای بودن باطل و ممنوع است. ولی اگر صرف مقایسه‌ی دیدگاه‌های دانشمندان علوم تجربی با آیات قرآن در یک موضوع، مثل آغاز و فرجام آفرینش، باشد مانعی ندارد، بلکه گاهی به روشن‌تر شدن معنای آیات علمی قرآن می‌انجامد و حتی گاهی اعجاز علمی قرآن را به اثبات می‌رساند (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ۱، ۸۱).

قلمرو و گستره معارف قرآنی

هدف قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب آسمانی هدایت و تربیت بشر است و در آیات متعددی به این موضوع اشاره دارد:

«ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره: ۲) و «هَٰذَا هُدًى وَ الَّذِینَ كَفَرُوا بِآیَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّنْ رَّجْزٍ أَلِیمٍ» (جاثیه: ۱۱) و دیگر آیاتی که در این موضوع اشاره دارند حاکی از جهت هدایت‌گری قرآن دارد. بدیهی است که هدف نزول کتب آسمانی و الهی هدایت انسان است. آیاتی که متعرض موضوعاتی چون واقعیت‌های تجربی و علمی نظیر چرخش زمین به دور خورشید، زوجیت در نباتات و... می‌شوند شاهد مثالی از آفرینش برای تفکر انسان در عالم خلقت و در نتیجه هدایت او گردد.

انواع مطالعات قرآنی و رابطه میان علوم انسانی متعارف

روش‌های تحقیق در قرآن گاه از اطلاعات و روش موجود در رشته‌ی تفسیر و علوم قرآن ناشی می‌شود و گاه بر بنیاد اطلاعات و روش‌های دویا چند رشته‌ی علمی. بر این اساس، روش تحقیق

در تفسیر و علم قرآن به تک رشته‌ای و میان‌رشته‌ای تقسیم می‌شود.

۱. روش تحقیق تک رشته‌ای

منظور از رشته در اینجا، رشته‌ی تفسیر و علوم قرآن است؛ از این رو، تمام اطلاعات و روش‌های موجود در این رشته را در بر می‌گیرد که گستره نسبتاً وسیعی از اطلاعات و قراین درون قرآنی و برون قرآنی را در شامل می‌شود؛ بدین معنا که در این روش، افزون بر استفاده از آیات قرآن، از قراین نقلی، مثل روایات تفسیر و قراین عقلی استفاده می‌شود که هر کدام روش تحقیق خاص خود را دارد که جای خود، توضیح شده است.

تذکر: برخی مسایل و موضوعات قرآنی ممکن است یک تباری باشد، از این رو، در یک رشته‌ی علمی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این موضوعات ظرفیت بررسی میان‌رشته‌ای را ندارند. شاید بتوان مسایل مربوط به جزییات معاد را از این دست شمرد.

۲. روش تحقیق میان رشته‌ای

مقصود از تحقیق میان رشته‌ای، این است که یک مسأله از دیدگاه دو یا چند دانش مورد بررسی قرار گیرد و از آن‌جا که بسیاری از مسایل و موضوعات قرآنی چند تباری هستند، لازم است که به صورت میان‌رشته‌ای مورد تحقیق و مطالعه قرار گیرند.

البته استفاده از مطالعات و تحقیقات میان‌رشته‌ای منافاتی با استفاده از روش‌های مختلف مطالعات برون قرآنی و تطبیقی ندارد، بلکه گاهی استفاده از آن‌ها در تحقیقات میان‌رشته‌ای ضروری است.

مطالعات میان‌رشته‌ای را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «مطالعات میان‌رشته‌ای کثرت‌گرایی روش‌شناختی مبتنی بر گفت‌وگو و چالش مؤثر بین گسترده‌ها در تحلیل مسأله‌ای واحد است. به دیگر سخن، شناخت یک پدیده در پرتو گفت‌وگوی مؤثر بین رهیافت‌های دانش‌های مختلف است» (قراملکی، ۱۳۸۰، ۳۳۴).

اصولی که باید در مطالعه میان رشته‌ای رعایت شود:

۱. دیگران نیز شاید از حقیقت برخوردار باشند؛

۲. سخن دیگران را باید با هم‌دلی و در عین حال، نقادانه شنید؛

۳. چالش بین دیدگاه‌ها، مجالی برای چالش بین رویکردهاست؛

۴. در چالش بین رهیافت‌ها، می‌توان از روش‌های مطالعه‌ی تطبیقی بهره جست (همان، ۱۳۳۷).

کثرت‌گرایی روشمند

کثرت‌گرایی روشمند (تنوع روش‌های ناظر به مسأله‌ی واحد) از جهت برنامه‌ی پژوهشی دو گونه است:

۱. کثرت‌گرایی مبتنی بر برنامه‌ی مکانیکی

در این روش، محقق آرای مختلف را از علوم گوناگون اخذ می‌کند، اما هر یک از آرا را با طرح و برنامه‌ی پیشین، در نظام معرفتی معینی جای می‌دهد. این رویکرد گسترده‌ای از معارف را چونان ریشه، حفره‌ای دیگر را هم‌چون تنه و سومی را به مثابه‌ی شاخه و برگ نظام خود قرار می‌دهد. در این برنامه، محقق با دوری از حصرگرایی روش‌شناختی، از دیدگاه‌های مختلف بهره‌مند می‌شود و نسبت به هیچ دیدگاهی، اعراض و انکار نمی‌ورزد، این روش به جمع آرا می‌انجامد. برای مثال، برخی افراد اقبال ملاصدرا به دانش‌های مختلف (فلسفه، تفسیر قرآن و عرفان) را در مسایل مبدأ و معاد، بر اساس همین مدل تحلیل کرده‌اند (۱۲، ص: ۳۳۲).

تذکر: بهتر است این شیوه‌ی مطالعات میان‌رشته‌ای را روش مطالعات تطبیقی بین رشته‌ای بنامیم که برخی افراد در دهه‌های گذشته، در حوزه‌ی تفسیر علمی، همین‌گونه عمل کرده‌اند؛ یعنی مطالب علوم جدید را بر آیات قرآن تطبیق کرده‌اند هر چند گاهی این تطبیق بدون رعایت ضوابط و هم‌خوانی با ظاهر آیات بوده است. از این‌رو، این شیوه گاهی به تفسیر به رأی نیز منتهی شده است و علامه طباطبایی آن را «تطبیق» نامیده و مردود شمرده است (طباطبایی، ۱۳۹۳، ۱، ۸-۷).

۲. کثرت‌گرایی مبتنی بر برنامه‌ی دینامیکی

در این شیوه، محقق در آرای مختلف به طریقی پویا، تصرّف و ترکیب می‌نماید که در این میان، به دیدگاهی ژرف‌تر برسد. کثرت‌گرایی در این معنی، برنامه‌های پژوهشی مختلفی دارد. یکی از کارآمدترین روش‌ها، چالش یا گفت‌وگوی مؤثر بین دیدگاه‌ها است. به همین دلیل، چنین مطالعه‌ای را کثرت‌گرایی دیالکتیکی و یا مطالعه میان‌رشته‌ای می‌نامیم.

محقق در این روش، دیدگاه‌های دیگر را مردود و پوچ و بی‌ثمر نمی‌انگارد و خود را محتاج مواجهه‌ی جدی و با برنامه نسبت به آن‌ها می‌داند و طریق مواجهه با آن‌ها را روش گفت‌وگوی مؤثر می‌نامد که به وسیله‌ی هنر شنیدن، اثربخش می‌گردد (قراملکی، ۱۳۸۰، ۲۳۳-۲۳۲).

قلمرو و محدودیت‌ها

مسئله‌ای نیازمند مطالعات میان‌رشته‌ای است که چند تباری باشد. مسأله‌ی چندتباری به دلیل کثیرالاضلاع و ذوب‌تون بودن، ریشه در علوم مختلف دوانده است (همان، ۲۳۵). پس در مسایل و موضوعاتی که یک تباری است شیوه‌ی مطالعات و تحقیقات میان‌رشته‌ای کاربرد ندارد.

برای مثال، «خودکشی» پدیده‌ای است که عوامل مختلف دارد و عوامل جامعه‌شناختی، فرهنگی، روانشناختی، اقتصادی و... از جمله مطالب دینی در پیش‌گیری از آن دموثر است؛ چنان‌که در قرآن آمده است: «و لا تلقوا بأيديكم الى التهلكة» (بقره: ۱۹۵) پس برای تبیین دقیق این مسأله‌ی چند تباری، محتاج مطالعه میان‌رشته‌ای هستیم. مثال دیگر، «کارکردهای دین» و کارکردهای آموزه‌های قرآنی است که تبیین دقیق آنها محتاج دانش‌هایی هم‌چون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ و تمدن، فلسفه‌ی دین، الاهیات و... است؛ همان‌طور که با ابزارهای تجربی و تحلیلی، نیز تحلیل‌پذیر است (قراملکی، ۱۳۸۰، ۲۳۵-۲۳۶).

در عصر حاضر، مطالعات میان‌رشته‌ای در مورد قرآن، بسیار مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است، چرا که در چند مورد مفید و مؤثر است.

۱. تفسیر آیات علمی و تبیین موضوعات علمی قرآن؛

۲. جهت‌دهی به مبانی علوم به ویژه علوم انسانی؛

۳. رفع توهم تعارض علم و دین؛

۴. نظریه‌پردازی‌های علمی قرآن؛

۵. تولید علم جدید؛ همان‌طور که امروزه روان‌شناسی دین و جامعه‌شناسی دین شکل گرفته است.

مطالعات و تحقیقات میان‌رشته‌ای قرآنی در حوزه‌های مختلف علوم بشری شکل گرفته است که

از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف. حوزه‌ی علوم طبیعی، مثل قرآن و بهداشت، قرآن و نجوم (کیهان‌شناسی)، قرآن و علوم پزشکی و...؛

ب. حوزه‌ی علوم انسانی، مثل قرآن و روان‌شناسی، قرآن و علوم تربیتی، قرآن و جامعه‌شناسی، قرآن و اقتصاد، قرآن و سیاست، قرآن و حقوق، قرآن و هنر و...؛

ج. حوزه‌ی علوم عقلی، مثل قرآن و فلسفه، قرآن و کلام و قرآن و ریاضیات و...؛

د. حوزه‌ی علوم شهودی، مثل قرآن و عرفان و...

مولفه‌های رویکرد میان‌رشته‌ای

رویکرد میان‌رشته‌ای باید بسیاری از مولفه‌های دیگر رویکردها و روشها را داشته باشد که به صورت خلاصه اشاره می‌شود:

۱. توصیف انبوه: مراد از توصیف انبوه مطالعه فراگیر و تفصیلی است؛ یعنی مطالعه همه جوانب و ساحات یک دین، اعم از لایه‌های بیرونی، آشکار و عارضی، لایه‌های درونی، پنهانی و جوهری (که این ویژگی فراگیرندگی مطالعه را تأمین می‌کند) و فروگذار نکردن مولفه‌های گوناگون دین و توجه جداگانه به همه آنها در جای خود (که این نیز ویژگی تفصیل را برآورده می‌سازد). برای آنکه مطالعه ما دارای چنین خصوصیتی باشد باید طرحی جامع از ابعاد و اجزای دین در نظر داشته باشیم، طرحی که به طور فراگیرنده و به تفصیل همه ابعاد و اجزای دین را رسم کرده باشد. به این منظور شاید الگوی نینیان اسمارت، دین‌شناس برجسته و پدیدارشناس دین که هفت جزء یا بعد اصلی برای هر دین بر شمرده است بد نباشد.

۲. فزاتر از ماهیت شناسی: این یعنی عدم تمرکز صرف بر آنچه ماهیت دین خوانده می‌شود و توجه همزمان به ابعاد عرضی و جوهری دین. به گفته آرویند شاراما، صورت‌بندی‌هایی از قبیل «مقدس» یا «ایمان» (اولی مقصد پدیدارشناسی و دومی هدف رویکرد تاریخی در مطالعه دین است) ناظر به ماهیت دین اند؛ اما روشی دینی برای مطالعه دین هنگامی آغاز می‌شود که بتوانیم خود را واداریم تا درباره ماهیت دین فکر نکنیم. (مجله هفت آسمان، روش دینی برای مطالعه دین).

۳. انعطاف: مراد از این عنوان، عدم اعمال جازمانه الگوی خاص برای مطالعه همه ادیان یا همه

پدیدارهای دینی و تجویز انعطاف لازم در هر مورد و هر موضوع است.

۴. راهبرد بین رشته‌ای: این مولفه بیانگر استفاده از نتایج همه مطالعات دین پژوهی که با روشها و رویکردهای مختلف صورت گرفته است، بوده و درعین حال اجتناب از محصور ماندن در پیش فرضها و مبانی آنهاست. شارما به نقل از ویلیام ای. پیدن می گوید: «تجربه دینی از ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا سایر ابعاد زندگی جدایی ناپذیر است. اما به آنها تحویل پذیر نیست. درست همان طور که هنرها را می توان از دیدگاه رشته‌های دیگر تبیین کرد. می توان آنها را براساس روش خاصی که در نگاه به جهان دارند نیز بررسی و فهم کرد» (آروین شارما، روش دینی برای مطالعه دین).

۵. دیدگاه میان فرهنگی: یعنی توجه به ویژگی‌های فرهنگی و دینی مخاطبان مختلف اعم از غربی و غیر غربی.

۶. مطالعه لایه به لایه: رویکرد میان رشته‌ای، ضمن اصرار بر مطالعه دین با تکیه بر مطالعه همه جوانب اجزای آن بر خلط نکردن میا لایه‌های سه گانه دین نیز اصرار می‌ورزد.

۷. همدلی عالمانه: یعنی توجه به فهم، احساس و تبیین پیروان هر دین از دین خود، در عین توجه به نتایج مطالعات و نگرش‌های برون دینی مانند مطالعات تاریخی، پدیدارشناختی، جامعه‌شناختی، مردم‌شناختی، روان‌شناختی، هرمنوتیکی، زبان‌شناختی و باستان‌شناختی.

۸. مقایسه بهنگام: مقایسه از اصول فهم دین و هر چیز دیگری است. این اصل که تعرف الاشياء باضدادها؛ چیزها را با ضد آنها می‌توان شناخت، حقیقتی غیر قابل انکار است. به گفته مکس مولر، «آنکه کی را می‌شناسد، هیچ کسی را نمی‌شناسد» این حقایق در شناخت دین و پدیدارهای دینی نیز کاربردی آشکار دارد. در عین حال این مقایسه میان یک دین یا پدیدار دینی با دیگر ادیان و پدیدارهای دینی اگر عجودلانه و زود هنگام صورت گیرد، می‌تواند به فروکاست یکی به دیگری و در نتیجه به عدم درک درست یک دین بینجامد. اما به هرروی، مقایسه نوعی ابزار موثر در مطالعه اموری مانند دین است که اگر به نحو اصولی انجام گیرد می‌تواند به شناخت بهتر دین کمک موثری بکند.

مبانی مباحث میان رشته‌ای

این شیوه‌ی مطالعاتی و تحقیقاتی، مبانی و قواعد و آسیب‌های خاص خود را دارد که در این جا به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. جواز و حجیت تفسیر علمی

از آن جا که مفسر قرآن، در تفسیر آیات، مطالب را به خدا نسبت می‌دهد، نیازمند دلایل و قراین قطعی و علمی است که گاهی از آیات دیگر قرآن و روایات معصومین علیه السلام و برهان‌های عقلی اخذ می‌شود. یافته‌های علوم نیز هرگاه قطعی یا اطمینان‌آور باشند، می‌توانند قرینه‌ی فهم و تفسیر آیات قرار گیرند و در این صورت تفسیر قرآن با آن‌ها جایز است. به عبارت دیگر، از آن جا که حجیت علم قطعی است، چنین تفسیری معتبر و حجّت است.

لازم است یادآوری شود که هرچند مطالب قطعی و اطمینان‌آور در علوم طبیعی و انسانی اندک است، این مطلب به اصل این مدعا آسیب نمی‌زند. در ادامه، در مورد مطالب ظنی و نظریه‌های علمی نیز سخن خواهیم گفت.

سرچشمه‌های تفسیر علمی را در احادیث اهل بیت (ع) و تفاسیر قدیمی قرآن نیز می‌توان یافت (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵، ۳۴۶-۲۹۲). روایات کیهان‌شناسی، طبّی، اقتصادی، حکومتی و سیاسی و... در میراث اسلامی فراوان وجود دارد، هرچند نیازمند پالایش است. این روایات از جمله سیره‌ی مستمره‌ی متصل به سیره‌ی معصومین علیه السلام را در این مورد نشان می‌دهد و دلیلی بر این مدعاست که ایشان در بسیاری از آیات قرآنی، به طرح مباحث علمی پرداخته‌اند.

۲. ممنوعیت کاربرد غیر علمی در تفسیر آیات

یکی از مبانی تفسیر این است، که مراد از تفسیر قرآن، کشف معانی و مقاصد آیات و بیان آن‌ها است؛ به عبارت دیگر، بیان مراد استعمالی و جدّی خدا در آیات قرآن هدف اصلی مفسر است. این کشف و بیان نیاز به دلیل و قرینه دارد، ولی از هر قرینه و دلیلی نمی‌توان برای تفسیر آیات قرآن استفاده کرد، چرا که برخی را عقل نمی‌پذیرد و برخی از طرف شارع ممنوع شده است. از این رو لازم است اعتبار دلایل و قراین در تفسیر ارزیابی شود. هر دلیل یقینی و عملی، قطع آور

است و حجیت قطع ذاتی است (مظفر، ۱۳۶۸، ۳، ۲۱). بنابراین اگر دلیل و قرینه‌ی یقینی برای تفسیر آیه‌ای وجود داشت، تفسیر قرآن بر اساس آن جایز است.

هر چند اکثر مطالب علوم تجربی نظریه‌های عملی بوده، قطع‌آور نیست، برخی از مطالب علوم تجربی که به حدّ بدهت حسی رسیده یا با دلیل عقلی، هم‌چون ریاضیات، پشتیبانی می‌شود، می‌تواند یقینی باشد. برای مثال، گردی و حرکت زمین و نیروی جاذبه‌ی آن از مواردی است که در عصر ما به حد بدهت حسی رسیده است. پس می‌توان آیات قرآن را براساس آن‌ها تفسیر کرد.

۳. گستره و قلمرو قرآن و علوم

در این جا می‌توان از سه دیدگاه حداکثری (وجود همه‌ی جزئیات علوم در قرآن) و دیدگاه حداقلی (نفی مطالب علمی از قرآن) و دیدگاه اعتدالی یاد کرد؛ چرا که از یک طرف از ظاهر برخی آیات مثل «وَنَزَّلْنَا عَلَیْکَ الْکِتَابَ تِبْیَانًا لِّکُلِّ شَیْءٍ» (نحل: ۸۹) استفاده کرده‌اند که همه‌ی جزئیات علوم بشری در قرآن وجود دارد. ولی برخی دانشمندان و مفسران براساس آیات دیگر و قراین لَبّی (عقلی) بیان کرده‌اند که مقصود از آیه آن است که کلیات مطالب مربوط به هدایت بشر در ظواهر قرآن وجود دارد.

از طرف دیگر، برخی قرآن را کتاب آخرت و بی‌ارتباط با مباحث علمی دانسته‌اند و از طرف سوم، می‌توان دیدگاه اعتدالی را طرح کرد که براساس آن نباید انتظار داشته باشیم همه‌ی جزئیات علوم بشری از قرآن استخراج شوند؛ بلکه قرآن خطوط کلی را در راستای هدایت بشر به سوی خدا بیان کرده است، اما در همین راستا، اشارات زیادی به علوم طبیعی، انسانی، عقلی عرفانی دارد.

این خطوط اساسی و اشارات علمی می‌تواند در جهت‌دهی به علوم بشری، به ویژه علوم انسانی، کاملاً مؤثر شود، تا آن جا که به تولید علم جدید منتهی گردد.

باید یادآوری کرد که هدف هدایتی قرآن با آن چه علوم انسانی (مثل علوم تربیتی، سیاسی و...) در اختیار آنان قرار می‌دهد گره خورده است؛ از این رو میان قرآن و علوم انسانی تعامل زیادی وجود دارد، در حالی که این تعامل در میان قرآن و برخی علوم، مثل علوم طبیعی، کم‌تر است.

۴. رابطه قرآن و علم

قرآن و علم، رابطه‌ی سازگارانه دارند مشاهده‌ی ده‌ها مورد تشویق به علم در این کتاب و بیش از هفتصد بار به کار رفتن ماده‌ی علم در آن و اشاره به علوم تجربی در بیش از هزار آیه‌ی قرآن، تردیدی باقی نمی‌گذارد که فرض اول و دوم باطل است. بنابراین نه تنها نشانه‌ای بر علم ستیزی در قرآن وجود ندارد، بلکه دلایل فراوانی بر علم‌پذیری این کتاب آسمانی در دست است.

۵. عدم تعارض واقعی بین قرآن و علم

آیا بین قرآن و علوم تعارض وجود دارد؟ مطالعات نشان می‌دهد، تعارض واقعی بین علوم و آیات قرآن وجود ندارد و اگر تعارضی ظاهری بین آن‌ها پدیدار شود با اندک تأملی برطرف می‌شود. چنانچه تعارض ابتدایی بین قرآن علوم مشاهده شود، به احتمال قوی.

یک. خطا در مقدمات علم تجربی،

دو. خطا در فهم دلالت آیه قرآن، وجود دارد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸، ۱۲۳).

چنانچه تعارض ظاهری مشاهده شد، باید با راه‌حل‌های منطقی و معقول آن را از بین برد. به عنوان نمونه، اگر گزاره‌ی قرآنی «سبع سموات» (بقره: ۲۹) با یافته‌های کیهان‌شناسی در مورد وجود یک آسمان معارض بیفتد، به چند صورت می‌توان توهم تعارض را حل کرد (البته ممکن است هر کدام از این راه‌کارها در برخی آیات قرآن مفیدتر باشد):

الف. ممکن است واژه‌ی «سبع» عدد حقیقی نباشد، بلکه عدد کثرت و منظور از آن تعداد زیادی کهکشان و... باشد. هم‌چنین ممکن است واژه‌ی «سموات» نه به معنای جایگاه ستارگان، بلکه به معنای جو زمین باشد؛ مثل آیه «وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً» (بقره: ۲۲) و....

ب. ممکن است زبان قرآن و زبان علم در این مورد متفاوت باشد؛ یعنی مقصود از آسمان در کیهان‌شناسی، جایگاه ستارگان و سیارات و منظور از «سماء» در قرآن، آسمان معنوی باشد؛ همان‌طور که علامه طباطبایی (ره) ذیل آیه «يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ» (سجده: ۵) احتمال دادند (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ۱۶، ۲۴۷ و ۱۹، ۳۲۷).

ج. ممکن است گفته شود مسأله‌ی هفت آسمان یک حقیقت قرآنی است که هنوز علوم تجربی آن را کشف نکرده‌اند و همه‌ی کهکشان‌ها که کشف شده‌اند آسمان اول است. بنابراین می‌توان آن را به صورت نظریه‌پردازی قرآنی در صحنه‌ی علوم تجربی مطرح کنیم و به دنبال شواهد تجربی آن باشیم (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸، ۱۲۳).

۶. هدایت‌گری، هدف اصلی قرآن

خداوند متعال به روشنی اهداف خود از نزول قرآن کریم را در آیات متعددی بیان کرده و بالاترین هدف خود را هدایت مردم و خارج ساختن آن‌ها از ظلمت‌ها به سوی نور معرفی می‌کند (بقره: ۲، اعراف: ۲۰۳ و یونس: ۵۷).

«الرَّكِابُ أَزْلَنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ»؛ «الف، لام، را، (این) کتابی است که آن را به سوی نور بیرون آوری؛ بهسوی راه (خدا) شکست‌ناپذیر (و) ستوده» (ابراهیم: ۱).

البته اهدافی مقدماتی هم‌چون بشارت، هشدار، شفا، رحمت عدالت را نیز مطرح ساخته است (فرقان: ۱؛ حدید: ۲۵ و یونس: ۵۷) که همه جنبه تربیتی و هدایت‌گری دارند.

قرآن کل نظام هستی را نیز هدفمند معرفی می‌کند و نظام را از اویی و به سوی اویی معرفی می‌کند. در گفتمان قرآن کاروان هستی از خدا شروع شده و به سوی همو در حرکت است (بقره: ۴۶ و ۱۵۶).

توجه به هدفمندی قرآن و هدایت‌گری آن تأثیرات مهمی در فهم و تفسیر قرآن دارد؛ چرا که به تفسیر قرآن جهت می‌دهد؛ یعنی مفسر قرآن در صورت وجود چنین پیش‌فرضی به همه‌ی آیات با نگاه هدایت‌گرانه می‌نگرد و با این رویکرد آن‌ها را تفسیر می‌کند.

چنانچه به دقت نگرسته شود اشارات علمی قرآن و احکام سیاسی و اجتماعی و اقتصادی آن، همگی در راستای هدایت بشر به سوی خدا معنا و تفسیر می‌شود. بنابراین تفسیری از آیات قرآن که با هدایت‌گری و اهداف قرآن منافات داشته باشد اعتبار نخواهد داشت.

شیوه‌های اجرای مباحث بین‌رشته‌ای

پژوهش بین‌رشته‌ای را می‌توان به سه صورت تصور کرد.

الف. بررسی آرای دانشمندان علوم و مفسران قرآن به صورت مقارن، که نتیجه‌ی آن تضارب آرا و تقریب افکار دانشمندان دو حوزه است.

ب. بررسی یک موضوع از منظر قرآن و علم خاص، مثلاً بررسی مشروعیت حکومت از منظر قرآن و علوم سیاسی، که نتیجه‌ی آن بیان دیدگاه در برابر هم‌دیگر و امکان بررسی مقارنه‌ای یک موضوع از دو زاویه است.

ج. بررسی یک موضوع علمی در قرآن؛ برای مثال، بررسی وجود موجودات زنده در آسمان از منظر آیات قرآن، که گاهی این شیوه به نظریه‌پردازی‌های علمی قرآن و موضوع‌سازی برای علوم و جهت‌دهی به آن منتهی می‌شود.

آنچه از پژوهش بین‌رشته‌ای در این جا مقصود است، شیوه‌ی دوم و سوم است، هر چند شیوه‌ی اول یکی از پیامدهای این مباحث خواهد بود.

قواعد اجرای مباحث بین‌رشته‌ای

۱. علوم قرینه‌ی فهم آیات

از آن جا که مفسر به دنبال فهم معانی آیات و مقاصد خدای متعال است، می‌کوشد با استفاده از منابع معتبر کتاب، سنت، عقل و علوم تجربی قطعی و با کمک ابزارهایی هم‌چون ادبیات عرب و... به تبیین معانی آیات و مقاصد الهی بپردازد.

۲. لزوم توجه به هدف دین و مقاصد نزول قرآن و هدف هر سوره و مجموعه‌ی آیات و آیه‌ی مورد نظر: هدف اصلی دین و قرآن هدایت انسان به سوی خداست، ولی معارف قرآن شامل حوزه‌های مباحث متعددی هم‌چون اعتقادات، قوانین و احکام شرعی، اصول و دستورات اخلاقی، آموزه‌های سیاسی، اقتصادی، معارف علمی و... است.

قرآن کریم اشارات متعددی (در بیش از هزار آیه) به مسایل طبیعت دارد که معمولاً در راستای خداشناسی و معادشناسی است (نک: آیات آغازین سوره رعد و حج) و حتی مسایل تربیتی، اقتصاد و سیاست و... را در راستای قرب انسان به خدا و سعادت اخروی او جهت‌دهی می‌کند.

از این‌رو مفسر قرآن باید در تفسیر آیات، به هدف اصلی قرآن و نیز هدف هر سوره و آیات توجه کرده، به صورتی آیات را تفسیر کند که معارض آن هدف نگردد؛ مثلاً اصول و نظام و مسایل سیاسی و اقتصادی و تربیتی را به صورتی سامان دهد که انسان را به غفلت از خدا و معاد سوق ندهد؛ و گرنه تفسیر علمی معتبر نخواهد بود.

۳. لزوم توجه به سیاق زبانی و فضای تاریخی آیات و سوره‌ها: توجه به سیاق هر آیه یا دسته‌ای از آیات (یعنی فضای کلی حاکم بر آن‌ها) که مورد مطالعه قرار می‌دهیم، در امر تفسیر، بسیار لازم است. به عبارت دیگر، در تفسیر موضوعی آیات لازم است به تفسیر تربیتی نیز توجه شود و نمی‌توان یک جمله‌ی قرآن را بدون توجه به قبل و بعد و هدف کلی سوره تفسیر کرد. هم‌چنین باید به فضای تاریخی و زمان و مکان نزول نیز توجه شود. برای مثال، در سوره‌های مکی، واژه‌ی «زکات» را برخی مفسران «انفاق» معنا می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ۱۴، ۱۹۶)، اما در سوره‌های مدنی، این واژه به معنای مالیات خاص اسلامی است. دلیل این تفاوت آن است که فضای سوره‌های مکی بیشتر بیان توحید و معاد و نبوت است، اما در سوره‌های مدنی به سبب فضای جدید و تشکیل حکومت و جامعه اسلامی، بیان قوانین سیاسی، اقتصادی و... پررنگ‌تر است.

بنابراین مفسر قرآن نباید در فهم و تفسیر آیات علمی، از سیاق و فضای تاریخی و جغرافیایی آیات غفلت کند.

تذکر مهم: باید توجه داشت که فضای تاریخی و جغرافیایی و شأن نزول آیات موجب انحصار معنای آیات در یک مورد خاص نمی‌شود و مفسر می‌تواند از آن‌ها الغای خصوصیت کند.

۴. لزوم استفاده از علوم تجربی معتبر

با توجه به این‌که علوم تجربی در بسیاری از موارد غیرقطعی است، انطباق نظریه‌های علمی با واقعیت برای انسان روشن نیست؛ با این حال، این علوم کاربردهای خاص خود را در زندگی بشر دارد.

البته گاهی علوم تجربی به حد بداهت حسی می‌رسد؛ به عنوان مثال، کروی بودن زمینیا آن دسته از یافته‌های علمی که با ریاضیات پشتیبانی می‌شوند (البته در مورد واقع‌نمایی علم، تفسیرهای

متعددی وجود دارد که در این جا به یکی از آن‌ها اشاره شد). در مواردی که علوم تجربی قطعی باشد، تفسیر قرآن با آن‌ها جایز نیست، بلکه یکی از قراین فهم و تفسیر آیات‌اند که بی‌توجهی به آن‌ها صحیح نیست.

اما در مواردی که علوم تجربی حالتی ظنی دارد و در حد نظریه‌های علمی است، نمی‌توان مطالب علمی پیش گفته را به قرآن و گویند آن، یعنی خدای متعال نسبت داد. در این گونه موارد، حداکثر می‌توان گفت: احتمال دارد فلان نظریه‌ی روان‌شناختی یا جامعه‌شناختی یا سیاسی یا اقتصادی مقصود آیه قرآن باشد، به ویژه هنگامی که با چند نظریه‌ی رقیب روبه‌رویم که یکی از آنها مشهورتر است.

برای مثال «وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ» (ذاریات: ۴۷) دو دیدگاه گسترش جهان و انقباض جهان در کیهان‌شناسی را می‌توان مد نظر داشت که هیچ کدام به صورت قطعی اثبات نشده است؛ اما چون ظاهر آیه با دیدگاه نخست سازگار است، می‌توانیم به صورت احتمالی بگوییم که آیه‌ی مزبور نظریه‌ی گسترش جهان را تأیید می‌کند (رضایی اصفهانی، ۱، ۱۴۷-۱۴۲).

۵. لزوم استفاده از قاعده‌ی جری و تطبیقی در تفسیر، به ویژه در تفسیر علمی: بسیاری از مطالب قرآن در قالب قصص و آیاتی دارای شأن نزول خاص بیان شده‌اند که می‌توان از آن‌ها الغای خصوصیت زمانی، مکانی و فردی کرده، در مصادیق جدید هر عصر استفاده کرد.

پس باید با به دست آوردن هدف و ملاک اصلی آیه و الغای خصوصیات غیر دخیل در هدف، قواعد کلی موجود در آیات را استنباط کنیم و بر مصادیق جدید زمان خویش تطبیق کنیم.

از این رو قصص قرآن و مطالب آن (مثل داستان لوط در نفی مشروعیت هم‌جنس‌گرایی) منبع خوبی برای فهم معارف قرآن و تطبیق آن بر زمان حاضر است.

معیارهای مباحث میان‌رشته‌ای یا تفسیر علمی معتبر

تفسیر علمی قرآن یا استنباط و برداشت‌های علمی از قرآن کریم معیارهای خاصی دارد که عدم توجه به آن‌ها به بی‌اعتبار شدن تفسیر علمی یا تفسیر به‌رأی می‌انجامد. از جمله

الف. استفاده از علوم تجربی قطعی در تفسیر آیات (و محتمل دانستن استنباط‌هایی که به علوم قطعی مستند نیست)؛

ب. مفسر از علم تجربی مورد نظر، شناخت کافی داشته باشند؛
ج. مطلب علمی استنباط شده با نص یا ظاهر آیه یا آیات، سازگاری داشته باشد.
یادآوری: زعایت معیارها و ضوابط عام تفسیر (مثل استفاده از روش و منابع و قراین معتبر در تفسیر و واجد صلاحیت بودن مفسر و...) در تفسیر علمی نیز لازم است.

کارکردهای مباحث رشته‌ای

۱. فهم بهتر آیات قرآن و تفسیر روزآمد قرآن کریم

برخی آیات قرآن مطالبی را در زمینه‌ی پزشکی، کیهان‌شناسی و... بیان کرده‌اند که با توجه به پیشرفت‌های جدید علمی، نکات جدیدی از آن‌ها فهمیده می‌شود و تفسیر بهتری از آن‌ها ارائه می‌شود. مثلاً اشاره به صلب و ترائب و مراحل خلقت انسان (حج: ۵، مؤمنون: ۶ و ۱۲) و مباحث کیهان‌شناسی (یس: ۳۸) و... از مصادیق این نوع از آیات‌اند.

۲. پاسخ به پرسش‌های نوآمد

قرآن با نیازها و علوم روز بشر پیوند خورده، پاسخ‌گوی پرسش‌های جدید بشر است و هدایت قرآن در همه‌ی ابعاد زندگی بشر جاری می‌باشد. پرسش‌های جدید در علوم مختلف مطرح می‌شود و مفسر علمی با دقت و رعایت ضوابط، تلاش می‌کند از آیات الهی پاسخ مناسب آن‌ها را بیابد. مثلاً سکولاریسم، پلورالیسم و دموکراسی و... پرسش‌های زمانه‌ی ماست که قرآن می‌تواند پاسخ‌گوی آن‌ها باشد. البته در این‌جا مفسر علمی آیات موافق و مخالف را گردآوری کرده، با بی‌طرفی به استنباط از آن‌ها می‌پردازد.

۳. نظریه‌پردازی‌های علمی قرآن

نظریه‌پردازی‌های علمی قرآن (جهت‌دهی به مبانی علوم انسانی و موضوع‌سازی برای علوم) هنوز هم در قرآن اشارات علمی وجود دارد که هرچند به صورت پیشگویی‌های علمی باقی مانده و دانش بشر بدان دسترسی پیدا نکرده و از سوی علوم تجربی اثبات یا نفی نشده است دورنمای مثبتی برای آن‌ها وجود دارد که می‌توان این دیدگاه‌های قرآنی را در عرصه علمی، به

صورت حقایق قرآنی و نظریه‌های علمی قرآن ارائه کرد.

به عنوان نمونه، مسأله‌ی گسترش جهان در کیهان‌شناسی بر اساس آیه «و السَّمَاءُ بَنِينَهَا بِأَيْدٍ وَ إِنَّا لَمُوسِعُونَ»؛ (ذاریات: ۴۷) و مسأله‌ی موجودات زنده در آسمان‌ها بر اساس آیه «وَ مَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ» (شوری: ۲۹) مطرح می‌شود که دانشمندان در صدد یافتن موجودات زنده در کرات دیگر می‌باشند.

در بسیاری از آیات قرآن نیز از مبانی و اصول و قوانین سیاست، اقتصاد، مدیریت، تربیت و... مطالبی به میان آمده که می‌توان از آن‌ها در نظام‌سازی و جهت‌دهی به علوم انسانی بهره برد. برای نمونه، بر اساس آیات نفی ربا، می‌توان نظریه‌ی اقتصاد بدون ربا را مطرح کرد و نیز از ماجرایی طالوت «وَ زَادَهُ بُسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ» (بقره: ۲۴۷) و از داستان یوسف «إِنِّي حَفِیْظٌ عَلَیْهِمْ» (یوسف: ۵۵) و موارد مشابه می‌توان شرایط مدیر را استنباط کرد و همچنین از آیه «يُزَكِّیْهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ» (جمعه: ۲) مسئله تقدم تزکیه بر تعلیم را اصطیاد نمود.

۴. اعجاز علمی قرآن

اگر به قرآن مراجعه کنیم متوجه می‌شویم، برخی آیات موضوعات علمی را یادآور شده‌اند که بشر در عصر نزول قرآن، به طور عادی بدان‌ها دسترسی نداشته و حاصل مدت‌ها تلاش علمی دانشمندان بوده و اندیشمندان علوم تجربی آن‌ها را کشف کرده‌اند؛ مثل زوجیت عام موجودات و جاذبه‌ی عمومی و... که از اعجازهای علمی قرآن را می‌رساند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۰، ۱، ۱۴۸). در این گونه موارد، بشر از دسترسی به چنین اطلاعاتی قبل از کشف آن‌ها عاجز بوده است، اما قرآن به صورت اخبار غیبی پرده از این اسرار برداشته و انسان را دانشمند را به عجز و عجب واداشته است. بنابراین، مفسر علمی قرآن باید به دنبال این گونه موارد (با رعایت شرایط و قواعد) در عرصه دانش باشد.

معایب و آسیب‌های مباحث میان رشته‌ای

الف. تحمیل نظریه‌های علمی به قرآن به جای عرضه علوم به آن، بدین معنا که مطلبی به قرآن نسبت داده شود که با ظاهر آیه سازگاری ندارد و قرآن آن را برنمی‌تابد. این کار همان تفسیر به رأی

است و در اسلام منع دارد

برای دوری از این آسیب، محقق باید از شیوه‌ی معتبر مطالعات علمی قرآن، یعنی استخدام علوم در فهم و تفسیر قرآن (نه استخراج همه‌ی جزئیات علوم از قرآن و نه تحمیل نظریه‌ها بر قرآن) استفاده نماید و ظواهر قرآن را در نظر بگیرد و از نسبت دادن مطلب مخالف ظاهر و مطالب علمی غیر قطعی به قرآن خودداری کند؛

ب. محقق به دنبال استخراج همه‌ی جزئیات علوم از قرآن، که معمولاً منتهی به تفسیر غیر معتبر و گاهی تفسیر به رأی می‌شود؛ باشد؛

ج. همان‌گونه که بیان شد هر آیه و سوره هدفی را دنبال می‌کند؛ عدم توجه به اهداف اساسی دین و قرآن و سوره‌ها و آیات، که به تفسیر علمی غیر معتبر منجر خواهد شد؛

د. برای اینکه به فهم درست و صحیح از قرآن دست یابیم باید سیاق آیات را مورد توجه جدی و اساسی قرارداد. غفلت از سیاق زبانی و فضای تاریخی آیات علمی قرآن، منتهی به فهم و تفسیر ناقص و چه بسا بدفهمی قرآن می‌گردد؛

ه. مفسر برای بهره‌مندی از انوار علمی قرآن، باید واجد تفسیر قرآن در پدید آورد؛ پرداختن به تفسیر علمی، بدون بهره‌مندی از شرایطی که چنین مفسری باید واجد باشد؛ تفسیر قرآن بدون علم و آگاهی بوده که سر از تفسیر به رأی در می‌آورد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از نویسه فوق آشکار گردید که روش تحقیق میان‌رشته‌ای از شیوه‌های مفید در مطالعات قرآنی است و به روشن شدن زوایای مجمل آیات و تولید علم جدید در عرصه‌های گوناگون ختم خواهد شد و به کمک دیگر علوم به دانش‌های جدیدی راه خواهیم یافت. همچنین سازگاری قرآن با علوم نوین عصری و نیز پیشگویی علمی آن نشان از اعجاز علمی این کتاب آسمانی می‌باشد. این بدین معنا نیست که این روش از هر آسیب و نقدی مبرا بوده و کمال نهایی را بهره‌مند است بلکه این روش نیز همچون روش‌های مطالعاتی دیگر، آسیب و نقیصه‌های خاص خود را دارد که لاجرم محقق باید آن‌ها را بازشناسد تا ضمن استفاده از مزایای آن‌ها در دام شان گرفتار نشود.

کتابنامه

- آخوند هروی، محمدکاظم، کفایه الاصول، دارالایمان قم، ۱۴۰۶ ق.
- ابن سینا، شیخ الرئيس ابو علی، رسائل، چاپ هند، ۱۹۰۸ م.
- الحوال، العلوم فی القرآن، بیروت، چاپ دارالمعرفه، بی‌تا.
- ذهبی، محمد حسین، التفسیر و المفسرون، قاهره دارالکتاب الحدیث، چاپ دوم، ۱۹۷۶ م.
- رازی، فخر الدین، (۱۴۱۱ ق)، تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- رضائی اصفهانی، محمد علی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، انتشارات اسوه، قم ۱۳۷۵.
- رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر قرآن و گرایش‌های تفسیر قرآن، نشر مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۵.
- رضایی اصفهانی، محمد علی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، انتشارات کتاب مبین، رشت، ۱۳۸۰.
- طباطبایی، علامه محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۳ ق.
۱۰. طنطاوی جوهری، الجواهر فی تفسیر القرآن، قاهره، دارالفکر، ۱۴۲۵ ق.
- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، چاپخانه علمیه، تهران، ۱۳۸۰.
- فرامرزی قرامکی، احد، روش‌شناسی مطالعات دینی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۳۸۰.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۱۴. مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، انتشارات المعارف الاسلامیه، بیروت، ۱۳۶۸.
۱۵. معرفت محمد هادی، التفسیر الاثری الجامع، مؤسسه التمهید، قم، ۱۳۸۳.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۷۸.

